



دانشگاه پیام نور

حقوق اساسی ۳

(رشته حقوق)

دکتر حسن خسروی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
بخش اول. حقوق و تکالیف مردم	۱
فصل اول. حقوق بشر در نظام حقوق اساسی	۳
هدف کلی	۳
هدف‌های یادگیری	۳
مقدمه	۳
۱-۱ مفهوم حقوق بشر	۴
۱-۱-۱ حق	۴
۱-۱-۲ آزادی	۶
۱-۱-۳ تفاوت حقوق بشر با حقوق شهروندی	۷
۲-۱ تاریخچه و منابع حقوق بشر	۹
۳-۱ مبانی حقوق بشر	۱۱
۱-۳-۱ مبادی فکری حقوق بشر در غرب	۱۱
۲-۳-۱ تحلیل تفاوت مبانی حقوق بشر جهانی با حقوق بشر در اسلام	۱۵
۴-۱ مصادیق حقوق بشر و آزادی‌های عمومی	۱۷
۱-۴-۱ حقوق مدنی و سیاسی (نسل اول)	۱۷
۲-۴-۱ حقوق و آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم حقوق بشر)	۲۸
۳-۴-۱ حقوق همبستگی (نسل سوم حقوق بشر)	۳۴
۵-۱ تضمینات حقوق بشر و آزادی‌های عمومی	۴۰
۱-۵-۱ تضمینات داخلی	۴۰
۲-۵-۱ تضمینات بین‌المللی	۴۱
خلاصه فصل اول	۴۲
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۴۳

فصل دوم. حقوق ملت (شهروندی) در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۴۴
هدف کلی.....	۴۴
هدف‌های یادگیری.....	۴۴
مقدمه.....	۴۴
۱-۲ حقوق مدنی و سیاسی.....	۴۵
۱-۱-۲ حق‌ها و آزادی‌های فردی و شخصی.....	۴۵
۲-۱-۲ آزادی‌های فکری.....	۴۸
۳-۱-۲ آزادی‌های سیاسی.....	۵۱
۲-۲ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۵۳
۱-۲-۲ آزادی انتخاب شغل و حق به کار.....	۵۳
۲-۲-۲ آزادی سندیکایی.....	۵۴
۳-۲-۲ حق بر رفاه و تأمین اجتماعی.....	۵۴
۴-۲-۲ حق آموزش و پرورش.....	۵۵
۵-۲-۲ حقوق برابر اجتماعی.....	۵۵
۶-۲-۲ حق بر خانواده شایسته.....	۵۶
۷-۲-۲ آزادی تشکّل‌ها و اجتماعات.....	۵۶
۸-۲-۲ حق تابعیت.....	۵۷
۳-۲ حقوق قضایی.....	۵۸
۱-۳-۲ حق دادخواهی.....	۵۸
۲-۳-۲ حق دادرسی منصفانه.....	۵۸
خلاصه فصل دوم.....	۶۰
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....	۶۱
بخش دوم. حکومت مردم‌سالار.....	۶۳
فصل سوم. ماهیت حکومت مردم‌سالار و نقش مردم در قدرت سیاسی.....	۶۵
هدف کلی.....	۶۵
هدف‌های یادگیری.....	۶۵
مقدمه.....	۶۵
۱-۳ تعریف و ماهیت نظام مردم‌سالار.....	۶۶
۲-۳ جایگاه مردم در نظام مردم‌سالار.....	۶۷
۳-۳ مبنای مشارکت مردم در قدرت سیاسی.....	۶۸
۴-۳ انواع نظام مردم‌سالار.....	۷۱
۱-۴-۳ رژیم مردم‌سالار مستقیم.....	۷۲
۲-۴-۳ رژیم مردم‌سالار غیرمستقیم (نماینده‌گی).....	۷۲
۵-۳ ویژگی‌ها و شاخصه‌های اساسی حکومت‌های مردم‌سالار.....	۷۳
۱-۵-۳ پذیرش حاکمیت ملی.....	۷۳
۲-۵-۳ انتخابی‌بودن حکومت.....	۷۳
۳-۵-۳ تحدید قدرت سیاسی.....	۷۴
۴-۵-۳ پاسخگویی حاکمان.....	۷۴

۷۵	۳-۵-۵ نظام شفاف.....
۷۵	۳-۵-۶ نظارت همگانی.....
۷۶	۳-۵-۷ حاکمیت قانون.....
۷۶	۳-۵-۸ اصل نمایندگی.....
۷۷	۳-۵-۹ اصل تفکیک قوا.....
۷۷	۳-۵-۱۰ جامعه مدنی.....
۷۷	۳-۵-۱۱ تضمین حقوق مدنی و سیاسی.....
۷۸	۳-۶ ماهیت حکومت دموکراسی لیبرال.....
۷۸	۳-۶-۱ عقل گرایی.....
۷۸	۳-۶-۲ شک گرایی.....
۷۹	۳-۶-۳ تجربه گرایی.....
۷۹	۳-۶-۴ مادی گرایی.....
۷۹	۳-۶-۵ انسان محوری (اومانیزم).....
۷۹	۳-۶-۶ احساس گرایی اخلاقی.....
۷۹	۳-۶-۷ سنت ستیزی و پیشرفت گرایی.....
۸۰	۳-۶-۸ علم محوری.....
۸۰	۳-۶-۹ سکولاریزم.....
۸۰	۳-۶-۱۰ نظام سیاسی دموکراتیک.....
۸۰	۳-۶-۱۱ کاپیتالیسم.....
۸۱	۳-۶-۱۲ آزادی و اختیار انسان.....
۸۱	۳-۶-۱۳ طبیعت گرایی.....
۸۱	۳-۶-۱۴ تسامح و تحمل.....
۸۱	۳-۷ ماهیت حکومت مردم سالار دینی؛ الگوی جمهوری اسلامی ایران.....
۸۲	۳-۷-۱ مفهوم جمهوریت.....
۸۷	۳-۷-۲ مفهوم اسلامیت.....
۹۲	۳-۷-۳ رابطه جمهوریت و اسلامیت و تفاوت با دموکراسی لیبرالی.....
۹۳	۳-۸ اصول کلی حاکم بر نظام مردم سالار دینی ایران.....
۹۴	۳-۸-۱ اصول زمامداری و نوع حکمرانی.....
۹۵	۳-۸-۲ اصول اعتقادی و مذهبی.....
۹۶	۳-۸-۳ اصل برابری و مردمی بودن.....
۹۷	۳-۸-۴ اصول حاکم بر عقیده و بیان.....
۹۸	۳-۸-۵ اصول خانواده.....
۹۹	۳-۸-۶ اصول عدالت.....
۱۰۰	۳-۸-۷ اصول حاکم بر امور تربیتی، آموزشی، علمی و فرهنگی.....
۱۰۱	۳-۸-۸ اصول سیاست خارجی.....
۱۰۴	۳-۸-۹ اصول ملی.....
۱۰۹	۳-۸-۱۰ اصول اقتصادی.....
۱۱۸	خلاصه فصل سوم.....
۱۱۹	خودآزمایی چهارگزینه ای فصل سوم.....

فصل چهارم. سازوکارهای اعمال حکومت مردم سالار.....	۱۲۰
هدف کلی.....	۱۲۰
هدف های یادگیری.....	۱۲۰
مقدمه.....	۱۲۰
۱-۴ همه پرسی.....	۱۲۱
۱-۱-۴ پله بیسیت.....	۱۲۲
۲-۱-۴ حق وتو.....	۱۲۳
۳-۱-۴ رفراندوم.....	۱۲۳
۴-۱-۴ ابتکار عام.....	۱۲۶
۵-۱-۴ گزینشگری.....	۱۲۷
۲-۴ انتخابات.....	۱۲۷
۱-۲-۴ معنای لغوی و اصطلاحی.....	۱۲۸
۲-۲-۴ انتخابات مردم سالار.....	۱۲۹
۳-۲-۴ ویژگی های انتخابات مردم سالار.....	۱۳۰
۴-۲-۴ ساختار انتخابات.....	۱۳۱
۳-۴ آمبودزمان (نظارت غیرقضایی بر حکومت).....	۱۴۹
۱-۳-۴ تاریخچه و تعریف آمبودزمان.....	۱۵۱
۲-۳-۴ هدف ها و قلمرو عملکردی آمبودزمان.....	۱۵۲
۳-۳-۴ ساختار آمبودزمان در ایران.....	۱۵۳
۴-۳-۴ وظایف و اختیارات.....	۱۵۴
۴-۴ امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۷
۱-۴-۴ مفهوم و تعریف امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۸
۲-۴-۴ مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۵۹
۳-۴-۴ ضرورت و اهمیت نظارت همگانی.....	۱۶۱
۴-۴-۴ اشکال و سازوکارهای اجرای نظارت همگانی.....	۱۶۳
خلاصه فصل چهارم.....	۱۶۶
خودآزمایی چهارگزینه ای فصل چهارم.....	۱۶۷
پاسخنامه خودآزمایی های چهارگزینه ای.....	۱۶۹
منابع.....	۱۷۱

پیشگفتار

کتاب حقوق اساسی (۳) به منظور آشنایی دانشجویان با مسائل و موضوعات بنیادین حقوق اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران نظیر حقوق و آزادی‌های بشر در اسناد جهانی و نظام حقوقی اسلام و حقوق شهروندی (مندرج در فصل سوم قانون اساسی) مبانی، ماهیت و ویژگی‌های نظام مردم‌سالار با تأکید بر دموکراسی لیبرال و نظام مردم‌سالاری دینی با محوریت جمهوری اسلامی ایران و سازوکارهای اعمال مردم‌سالاری و نقش مردم در فرمانروایی در دو بخش کلی و هر بخش در دو فصل براساس سرفصل بازنگری شده وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب سال ۱۳۹۵) طراحی شده است.

هدف کلی این کتاب آموزش و آشنایی دانشجویان با مبانی، ماهیت و خصایص حکومت مردم‌سالار، حقوق و آزادی‌های عمومی در قالب نظام حقوق بشر جهانی، موازین اسلامی و حقوق شهروندی در ایران، ماهیت و مبانی حکومت مردم‌سالار لیبرالی و مردم‌سالار دینی با محوریت الگوی حکومت جمهوری اسلامی ایران، نقش و جایگاه مردم در حکومت مردمی و سازوکارهای اجرایی نظارت همگانی مردم بر فرایند اعمال قدرت سیاسی از طریق همه‌پرسی، انتخابات و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد.

از دانشجویان محترم انتظار می‌رود پس از طی مراحل ذیل مطالب و موضوعات مندرج در فصول مختلف را درک و تحلیل نمایند.

۱. هر فصل دربردارنده هدف‌های کلی و رفتاری است که مطالعه آن‌ها نقش مهمی در فهم مطالب و سازماندهی فکری دارد.

۲. پس از پایان هر فصل خلاصه مطالب و پرسش‌هایی تحت عنوان خودآزمایی آمده است که هم می‌تواند آزمون خوبی برای فراگیری مطالب باشد و هم موجب آشنایی شما با سبک و سیاق آزمون پایان ترم خواهد شد و پاسخ آزمون‌ها در انتهای کتاب اشاره شده است.

۳. جهت یادگیری بهتر، ابتدا کل مطالب فصل به‌طور گذرا خوانده شود، سپس مطالب هر بند در ارتباط با مطالب بندهای بعدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۴. بخش اول در دو فصل تنظیم شده است. در فصل اول، به تعریف، ماهیت، تاریخچه و اسناد مهم جهانی حقوق بشر، تفاوت حقوق بشر با حقوق شهروندی، مبانی حقوق بشر جهانی و نظام اسلامی، مصادیق، قلمرو، محتوا و ضمانت اجراهای حقوق بشر پرداخته شده است. پس از تبیین مفهوم و مصادیق حقوق بشر جهانی، در فصل دوم مبانی، اصول، مصادیق، قلمرو حقوق شهروندی (حقوق ملت) در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگوی نظام مردم‌سالاری دینی مورد تبیین و تحلیل قرار گرفته می‌شود.

۵. بخش دوم نیز به دو فصل تقسیم شده است. در فصل سوم ماهیت، مبانی و شاخصه‌های حکومت مردم‌سالار، انواع حکومت مردمی، نقش مردم در قدرت سیاسی در پرتو دموکراسی لیبرال و نظام اسلامی، تفاوت حکومت دموکراسی لیبرال با نظام مردم‌سالار دینی، ماهیت مردم‌سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران و مبانی و اصول کلی حاکم بر نظام سیاسی ایران مورد بحث قرار گرفته شده است. در فصل چهارم؛ شیوه‌ها، اشکال، سازوکارهای اجرایی حاکمیت مردم، چگونگی تحقق نظارت مردم بر فرمانروایان از طریق همه‌پرسی، پله‌بیسیت، رفراندوم، حق وتو، ابتکار عام، گزینش‌گری و انتخابات و امر به معروف و نهی از منکر در قالب نظارت همگانی بر حکومت اشاره شده است.

دکتر حسن خسروی

هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور

بهار ۱۳۹۷

بخش اول

حقوق و تکالیف مردم

مطالب بخش اول در دو فصل ارائه خواهد شد. در فصل اول به مفهوم و مبادی حقوق بشر، مصادیق و انواع حقوق و آزادی‌های بشری و چگونگی صیانت از آنها از منظر موازین بین‌المللی حقوق بشر و احکام و دستورات دین اسلام پرداخته می‌شود. در فصل دوم به نظام حقوق شهروندی در قالب حقوق ملت در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، مصادیق و انواع حقوق آزادی‌های ملت و محدوده‌ها، قلمروها و ضمانت اجرایی آنها اشاره می‌گردد.

فصل اول

حقوق بشر در نظام حقوق اساسی

هدف کلی

عمده‌ترین هدف‌های کلی این فصل، توانمند نمودن دانشجو در درک ماهیت و جایگاه حقوق بشر در علم حقوق و شناخت کافی از منابع، مبانی و قلمرو حقوق بشر را به‌دست آورد.

هدف‌های یادگیری

در پایان این فصل انتظار می‌رود دانشجو در مباحث ذیل توانمند گردد:

۱. حقوق بشر را تعریف و تبیین نماید.
۲. جایگاه حقوق بشر را در نظام حقوقی درک نماید.
۳. منابع و اسناد حقوق بشر جهانی را بشناسد.
۴. به انواع و مصادیق حقوق بشر پی ببرد.
۵. با قلمرو و محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های بشر آشنا شود.
۶. از سازوکارهای اجرایی و تضمینی حقوق و آزادی‌های بشر اطلاع حاصل نماید.

مقدمه

انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات از ارزش و مقام والایی برخوردار می‌باشد. از این جهت خداوند متعال به انسان کرامت ذاتی و روح الهی عطا نموده است. این نعمت و گوهر الهی می‌بایستی مورد حمایت و ضمانت قرار گیرد. از آنجا که انسان بنا به ملاحظات مختلف نظیر رسیدن به آرامش، صلح، امنیت، نظم و خودشکوفایی انسانی، به‌صورت اجتماعی

زندگی می‌کند، چه بسا در خصوص چگونگی تأمین چنین ملاحظات، کرامت انسانی به خطر بیفتد و قربانی هوس‌ها، زیاده‌طلبی‌ها، خودخواهی‌ها و ستمگری دیگران در جامعه واقع شود. از طرف دیگر، انتظام و سازش میان ضرورت‌های اجتماعی و کرامت انسانی امری ضروری است. لذا باید تحت ضوابط و قواعد کارآمد و مؤثر قرار گیرد و باید سازوکارهای مختلف حقوقی و اجتماعی برای انتظام بخشی در جامعه طراحی شود. در طول تاریخ شهروندان و عدالت‌خواهان تلاش‌ها و مبارزات زیادی در راستای استقرار سازوکارهای مقتضی و کارآمد ساماندهی زندگی اجتماعی مصروف داشته‌اند که امروزه در قالب «نظام حقوق بشر» به ثمر رسیده است.

۱-۱ مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر، مجموع حق‌ها و آزادی‌هایی است (Rosenboun, 1980: 137) که بشر در حیات فردی و اجتماعی جهت صیانت از کرامت ذاتی از آن‌ها برخوردار می‌باشد و «مستلزم این مفهوم است که هر فرد به سبب انسان‌بودن، حائز چه حقوقی است» (شریفی طرازکوهی، ۱۳۸۰: ۳۱). حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر در واقع همچون سد محکمی است در برابر قدرت مطلقه حاکمه و نماد محدودیت قدرت سیاسی در روابط دولت با شهروندان تلقی می‌گردد. لذا دولت مکلف به اعتراف، شناسایی و تضمین آن‌ها می‌باشد. از آنجایی که مفهوم حقوق بشر، متشکل از دو عنصر «حق» و «آزادی» است، لذا به بررسی مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱-۱ حق

انسان به دلیل برخورداری از کرامت ذاتی از حق‌های بنیادینی بهره‌مند می‌باشد (Edwardson, 2004: 3). از این‌رو، حق‌های بشری امروزه مبتنی یا ناشی از کرامت انسانی است و انسان‌ها به آن دلیل صاحب حق می‌شوند که دارای کرامت ذاتی می‌باشند (Meyer and Parent, 1992: 10). کرامت ذاتی یعنی، انسان «غایت» (کانت، ۱۳۹۳ (الف): ۴۵) است و این غایت‌بودن در خویشتن از نظر کانت «ارزش» (کانت، ۱۳۹۳ (ب): ۱۰۰ و ر.ک. صانعی، ۱۳۹۴: ۱۵-۲۵) است. براساس چنین ارزشی، انسان نباید وسیله و ابزار هدف‌ها و منافع دیگران واقع شود و دیگران مکلف به رعایت حرمت و شرافت وی هستند. همچنین انسان با دیگران دارای برابری ارزشی

حقوق بشر در نظام حقوق اساسی ۵

است. برابری ارزشی ناشی از کرامت ذاتی و «ممنوعیت ابزار قراردادادن انسان» (راسخ، ۱۳۸۴: ۲۷) منتج می‌شود.

حال باید دید حق چیست و چه ماهیتی دارد؟ «واژه حق به معنای نقیض باطل، خلاف باطل و ضدباطل آمده و در عین حال برای آن معنای وجوب، ثبوت امر یقینی و بدون شکست و تصدیق نیز گفته شده است» (موسویان، ۱۳۸۳: ۱۷). تعاریف مختلفی از حق شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

حق اختیاری است که قانون برای فرد شناخته که بتواند عملی را انجام دهد و یا آن را ترک کنند (امامی، ۱۳۹۱: ۲). «حق، امتیازی است که فرد از آن برخوردار است و از این امتیاز در زبان حقوقی به «سلطه و اختیار» تعبیر می‌شود» (موحد، ۱۳۹۲: ۲۲). در تعریف دیگر آمده است: «حق قدرتی است که متکی به قانون که دارنده آن می‌تواند با استعانت از قانون دیگری را به انجام عمل وادار یا او را از انجام عملی مانع شود» (موحد، ۱۳۹۲: ۲۵). اما از منظر فلسفی و ارزشی «در تحلیل مفهوم حق، تفکیک بین دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» به نظر ضروری است. «حق بودن» را با فعل ربطی بودن (to be right) و «حق داشتن» را با فعل (to have right) به کار می‌بریم» (سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۱۸). حق به معنای اول که در مقابل باطل قرار می‌گیرد، همیشه در عرصه فکری به‌ویژه سیاسی و اخلاقی حضور داشته است، اما حق به معنای دوم که می‌تواند در مقابل تکلیف قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی کوشش‌های نظری و عملی آزادی‌خواهانه و برابری‌خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است (راسخ، ۱۳۸۷: ۱۸۶). در واقع، «حق بودن» به معنای ارزشی، همان «خوب بودن» است. بدین معنا که اگر عملی «حق» است، یعنی از منظر اخلاقی و براساس اصول محتوایی یک نظام اخلاقی خاصی، مورد تأیید و قبول می‌باشد... اما مفهوم «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی خوب و اخلاقی نیست، بلکه دربردارنده این مفهوم است که فرد توانایی اتخاذ تصمیم و گزینش از میان شقوق مختلف را داشته باشد، صرف‌نظر از محتوای تصمیم چه خوب باشد چه بد (راسخ، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

از آنچه گفته شد در نظام حقوقی، حق، فی‌النفسه اصالت ندارد، بلکه یک تأسیس و ابزاری است در جهت حمایت و صیانت از کرامت ذاتی انسان از طریق نظام حقوقی. لذا «حق یک ادعای تضمین شده است». یعنی ادعای به انسان بودن و حرمت

داشتن که از طریق نظام حق به کمال و خودشکوفایی می‌رسد. مفاهیم جدیدی از حق (ر.ک. طالبی، ۱۳۹۳: ۱۰-۶۵) در فلسفه حقوق و اخلاق امروزی به‌ویژه توسط «دورکین و هوفلد» (Kramer and Simmonds, 1998: 148, Jones, 1994: 12-13) مطرح شده‌است.

۱-۱-۲ آزادی

آزادی در دو واژه «Freedom» و «Liberty» به‌کار رفته است (Gary, 1991: 1). برای تبیین مفهوم آزادی، نظریات مختلفی از سوی اندیشمندان مطرح شده‌است که مشهورترین اندیشمندان جدید، آیزیا برلین و مک کالوم است. آیزیا برلین معتقد به دو مفهوم «منفی و مثبت» (گری، ۱۳۷۱: ۱۵) پیرامون آزادی می‌باشد. آزادی منفی به عقیده وی «مستلزم نبودن دخالت است» (برلین، ۱۳۶۸: ۲۴۴) و به دیگر سخن «آزادی یعنی، عدم مانع، همین که کسی جلوی انجام فعل از سوی فاعل را نگیرد او آزاد است» (راسخ، ۱۳۸۷: ۲۷۹). چنین مفهومی از آزادی منفی، امر سلبی یا به‌عبارتی عدم‌دخالت دیگران و عدم وجود مانعی در اراده فرد را نشان می‌دهد. اما آزادی مثبت یک امر ایجابی است چرا که از نظر برلین «مستلزم چیزی بیش از عدم‌دخالت است. آزادی صرفاً به انکار و سلب شرایطی خاص ختم نمی‌شود، بلکه فراهم‌بودن عنصر یا عناصر دیگری نیز لازم است. ... آزادی یعنی آزادبودن در انجام فعل خاصی و موفقیت در حصول هدف معین، آزادی یعنی دارا بودن قدرت یا توانایی برای انجام کارهایی که در اشتراک با دیگران می‌توانیم انجام دهیم» (راسخ، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

از نظر مک‌کالوم آزادی دو مفهوم نیست، بلکه یک مفهوم سه عنصری یا سه مؤلفه‌ای است. با این فرمول: «X is free from Y to do or be Z» (Gary, 1991: 12) یعنی «۱. آزادی چیزی (عامل). ۲. آزادی از چیزی (محدودیت) ۳. جهت انجام یا بودن چیزی». به دیگر بیان، «الف» آزاد از «ب» است (یا نیست) که «ج» را انجام دهد/نشد (یا انجام ندهد/نشود)» (سویفت، ۱۳۸۵: ۹۲ و میراحمدی، ۱۳۸۵: ۲۷). در این فرمول شخص ابتدا سعی می‌کند به آزادی منفی دست یابد؛ به این معنا که X (فاعل و عامل) با از بین بردن Y (مانع و رادع) بتواند و سعی کند به آزادی دست یابد. این تلاش فرد برای رهایی و از میان بردن موانع، در واقع تلاش برای دست‌یافتن به آزادی منفی است که اگر موفقیت‌آمیز باشد، آزادی منفی محقق شده‌است؛ اما با توجه به فرمول مک‌کالوم این وضعیت هنوز پایان نیافته و این پرسش مطرح می‌شود که شخص، این آزادی را

برای چه چیزی می‌خواهد. طبیعتاً بخش دیگر تئوری مک‌کالوم به این پرسش پاسخ می‌دهد و می‌گوید شخص، آزادی را برای این می‌خواهد که اقدام و کاری را انجام دهد و یا به وضعیت خاصی که Z (غایت و هدف) است برسد. بنابراین، شخص آزادی را برای غایت و هدفی می‌خواهد که این هدف با توجه به مفروضات، شرایط و اقتضائات جغرافیایی و اندیشه‌ای، می‌تواند متفاوت و متنوع باشد و حوزه‌ای گسترده از مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را شامل شود.

بر این اساس مشاجرات درباره آزادی، مشاجره درباره سه رکن مورد اشاره است که به عامل (الف)، مانع (ب) و به اقدام یا حالت (پ) موردنظر اشاره دارد (میراحمدی، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۵).

چنین مفاهیمی از آزادی تداعی‌کننده «*اصل استقلال و خودمختاری*» به عنوان یکی از خصایص فطری بشری است. «خودمختاری یعنی «*خودحاکمی*» و به معنای شخصی که قانون حاکم بر خویش را وضع می‌نماید و می‌تواند قانون خودش را بر خود حاکم کند» (Lindy, 1986: 25). لذا در نظام حقوق بشری، هدف عمده این است که اراده آزاد، خصیصه خودمختاری و کرامت ذاتی مورد صیانت واقع شود.

۱-۱-۳ تفاوت حقوق بشر با حقوق شهروندی

شهروند به دلیل عضویت در یک واحد سیاسی به نام دولت، دارای حقوق و تکالیفی است که این حقوق و تکالیف را حقوق شهروندی می‌نامند. از این رو، شهروندی، وابستگی شهروند به یک جامعه است و حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد. به عبارت دیگر، شهروندی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم و مقوله تابعیت دارد، اما حقوق بشر ناظر به حقوقی است که انسان بپناه انسان از آن‌ها برخوردار می‌باشد. حقوق بشر، دست‌کم به معنای امروزی آن در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ بیان شده است. بنابراین، حقوق بشر دربردارنده ارزش‌های جهانی یا جهانی‌شده بشری است که فارغ از روابط افراد با فرهنگ و جامعه بومی، به ترسیم حقوق افراد می‌پردازد. اگر بگوییم مفهوم شهروندی، فصل مشترکی با مفهوم «ملیت» دارد، بدون تردید، حقوق بشر، مفهوم فراملی و دربردارنده حقوقی فراگیر و بنیادی، صرف‌نظر از فرهنگ و آداب و رسوم ملی کشورها است. در نظام حقوقی ایران، متأثر از اصالت فرد و اجتماع در اسلام، شهروند دارای حقوق و تکالیف است.

در این چارچوب است که اصل لاضرر در فرهنگ حقوقی اسلام مفهوم خودش را نشان می‌دهد، که تبلور عینی آن در اصل چهارم قانون اساسی به این شرح آمده است که: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین، تکالیف محدودکننده حقوق نیستند، بلکه تکالیف تضمین‌کننده حقوق تلقی می‌شوند (ر.ک. جاوید، ۱۳۸۸: ۳۵-۱۲۳).

حقوق بشر به‌عنوان حقوق پایه و اولیه، تکلیف و تعهدی بنیادین است که مشروعیت آن به طرح و تصریح در قانون اساسی هم نیست و در صورت عدم طرح آن در قوانین هم، هر دولتی مکلف به آن‌ها است، اما حقوق شهروندی این‌گونه نیست. حقوق شهروندی تنها در یک رابطه حق و تکلیفی وضعی قابل تحقق است؛ به این معنا که هر حقی برای شهروند به موازات آن تکلیفی برای او هم در پی دارد. به همین نسبت هر حقی برای دولت، تکلیفی برای او هم به‌دنبال خواهد داشت. حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در این چنین معادله‌ای با هم پیش می‌رود و هیچ‌یک تماماً حق و دیگری تماماً تکلیف نیست.

حقوق بشر بدون پیش‌شرط و شرط قابل تحقق است؛ به این معنا که دولت از وضع تکلیفی شهروند در قبال تکلیف خود نمی‌کاود تا حقوق بشر او را مشروط به عمل خوب یا بد شهروند خود کند، بلکه همین‌که انسانی در حوزه حاکمیت او است هر چند غیرشهروند هم باشد دولت اسلامی و هر دولتی در حد توان مکلف به تأمین حقوق بشر او است؛ اما حقوق شهروندی چنین نیست.

شهروندی در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم «ملیت» قرار می‌گیرد، اما برعکس آن حقوق بشر بی‌ارتباط با ملیت و بلکه مفهومی فراملی است. بنابراین حقوق بشر دارای ویژگی فراگیربودن و بنیادی‌بودن است و بدون توجه به فرهنگ و آداب هر کشور مورد اعمال قرار می‌گیرد. حقوق شهروندی موضوعاتی مثل حق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور را دربرمی‌گیرد با این وجود باز هم نمی‌توان مرز میان حقوق بشر و شهروندی را به‌گونه‌ای ترسیم کرد که تمایز این دو مفهوم را به‌طور کامل ممکن کند. شباهت میان این دو مفهوم به قدری است که تمایز آن‌ها را مشکل می‌کند. وقتی از تأمین حقوق شهروندی و آموزش آن صحبت می‌کنیم بیشتر مربوط به حقوق میان دولت و شهروندان می‌شود. هریک از ما به‌عنوان شهروند به‌دلیل عضویت در یک واحد سیاسی که دولت نامیده می‌شود دارای حقوق و تکالیفی هستیم که این حقوق و تکالیف را حقوق شهروندی می‌گویند.

۹ حقوق بشر در نظام حقوق اساسی

بنابراین می‌توانیم بگوییم که شهروندی، وابستگی شهروند به یک جامعه است و حقوق شهروندی، حقوق و تکالیف شهروند نسبت به جامعه‌ای است که به آن تعلق دارد. بنابراین اگر بخواهیم به تأمین حقوق شهروندی و آموزش آن پردازیم باید توجه داشته باشیم که شهروندی، رابطه تنگاتنگی با مفهوم و مقوله «تابعیت» دارد، اما «حقوق بشر» ناظر به حقوقی است که انسان «بما هو انسان» از آن‌ها برخوردار است.

در واقع، «حقوق شهروندی به‌عنوان دایره‌ای متداخل در دایره فراگیرتر حقوق بشر تبیین می‌گردد. حقوق شهروندی نسخه‌ای از همان حقوق بشر است که در صورت‌بندی حقوق و تکالیف شهروندان و دولت در ذیل یک قرارداد اجتماعی در جامعه‌ای خاص و تحت الزامات قدرت سیاسی یک جامعه مورد تضمین قرار گرفته است» (عزیزی‌فرد، ۱۳۹۶: ۷۴).

لازم به ذکر است که حقوق شهروندی معادل حقوق و تکالیف ملت نیز محسوب می‌شود که در فصل بعد به حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران می‌پردازیم.

۱-۲ تاریخچه و منابع حقوق بشر

تاریخچه حقوق بشر و آزادی‌های عمومی را باید به سرمنشأ اولیه زندگی بشر پیوند داد. چرا که مفهوم آزادی، کرامت انسانی و حرمت بشری از همان بدو خلقت همراه و همزاد بشر بوده است. اما شناسایی، اعتراف و به رسمیت شناختن آن به تلاش‌های اندیشمندان مختلف یونان و روم باستان، پیامبران الهی، عصر مسیحیت، دوران حقوق طبیعی، عصر انقلاب رنسانس و صنعتی، دوره روشنگری و عقل‌گرایی و همچنین اندیشمندان جدید و فعالان حقوقی و سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد.

ماحصل این تلاش‌ها در قالب صدور بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، انعقاد توافق‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی، میثاق‌ها و منشورهای بین‌المللی و قوانین اساسی‌ها و مقررات حقوقی داخلی کشورهای مختلف، جلوه خارجی به خود گرفته است. از جمله آن‌ها می‌توان به موارد چندی اشاره نمود:

۱. منشور کبیر (Magna Charta) انگلستان در سال ۱۲۱۵ میلادی ۲. اعلامیه استقلال آمریکا (به‌عنوان نخستین اعلامیه حقوق به‌معنای مدون) در سال ۱۷۷۶ ۳. اعلامیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ فرانسه ۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ ۵. میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶.

محتوای بسیاری از موارد فوق‌الذکر در قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف منعکس گردید و بدین‌طریق حقوق بشر و آزادی‌های عمومی در اکثر کشورها مورد حمایت و ضمانت واقع شد؛ به‌طوری‌که امروز همه کشورها سعی دارند که اعمال و تصمیمات خود را با موازین حقوق بشری مواجه‌سازی نمایند.

با شکل‌گیری ایده حقوق بشر در عرصه جهانی اقدامات وسیعی در جهت شناسایی و تضمین حقوق بشر در قالب وضع قواعد بین‌المللی و تشکیل نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای صورت گرفت که عمده این اقدامات تحت‌عنوان منابع حقوق بشر جهت به شرح ذیل قابل احصاء می‌باشند:

الف) مقررات و مصوبات مجامع بین‌المللی همانند سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر.

ب) حقوق عرفی و موازین مسلم حقوق بین‌الملل عمومی.

ج) اصول کلی علم حقوق.

د) تصمیمات و رویه‌های مجامع قانونی حقوق بشری.

ه) تصمیمات و رویه‌های قضایی محاکم بین‌المللی و دیوان‌های خاص قضایی.

و) دکترین و آموزه‌های دانشمندان علم حقوق.

عرف بین‌الملل و معاهدات دو منبع اصلی همه قوانین بین‌المللی و حقوق بشر محسوب می‌شوند. معاهدات که یکی از منابع قوانین حقوق بین‌الملل در بخش عمومی و بخش حقوق بشر به‌شمار می‌رود، پیمان‌هایی هستند که احکام عمومی را شامل می‌شود که توافقات لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۹، منشور سازمان ملل متحد و غیره از آن جمله‌اند (ر.ک. ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹). معاهده عام هنگامی الزامی می‌شود که تعداد زیادی از کشورهای جهان آن را امضا کرده و برای پیوستن سایر کشورهای جهان نیز محدودیتی نداشته باشد. درباره عرف بین‌الملل هم باید گفت که تکرار افعال مشابه در میان کشورهای مختلف در روابط میان این کشورها این احساس را به وجود آورده است که پیروی از این افعال یک قانون است و باید به آن پایبند بود. تعیین و اعلام عرف بین‌المللی از خصایص محاکم و دیوان‌های بین‌المللی است.

جهت آشنایی با موازین حقوق بشر در عرصه جهانی و منطقه‌ای و برخی موارد که کشور ایران به آن‌ها ملحق‌شده است، به فهرستی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل اشاره می‌شود: (مندرج در سایت مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران)^۱

1. <http://www.unic-ir.org/p2unic.php?pg=19>

۱. منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^۱
۲. منشور بین‌المللی حقوق بشر
الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲
ب) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۳
ج) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی^۴
د) پروتکل اختیاری مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۵
۳. اسناد اصلی بین‌المللی حقوق بشری و نهادهای ناظر بر آنها. در مجموع ۹ معاهده اصلی بین‌المللی حقوق بشری موجود است. هریک از این معاهدات کمیته‌ای از کارشناسان تشکیل داده‌اند تا بر نحوه اجرای مفاد آن از سوی کشورهای ملحق به آن معاهده نظارت کنند. نهاد ناظر در مورد دو پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی، شورای حقوق بشر است. به برخی از این معاهدات، پروتکل‌های اختیاری ضمیمه شده‌است.

۱-۳ مبانی حقوق بشر

حقوق بشر جهانی عمده‌تاً بر مبادی فکری مدرنیته در غرب بنا نهاده شده‌است و از جهات مختلف با مبادی توجیهی حقوق بشر در مکتب اسلام و نظام جمهوری اسلامی متفاوت است. تفاوت در مبانی، تفاوت در مصادیق، محتوا، قلمروها و ضمانت اجراها را به بار می‌آورد. چنین تفاوت‌هایی را می‌توان در قالب مبادی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی حقوق بشر غرب و اسلام (ر.ک. حقیقت و میرموسوی، ۱۳۹۲) مورد بررسی قرار داد.

۱-۳-۱ مبادی فکری حقوق بشر در غرب

متأثر از تحولات اساسی در دوران قرون وسطی به بعد در تاریخ اروپا و وقوع انقلاب رنسانس، نهضت اصلاح دین، تحولات فکری عصر روشنگری، انقلاب علمی و انقلاب

۱. تاریخ الحاق ایران: ۱۶/۱۰/۱۹۴۵

۲. تاریخ الحاق ایران: ۱۹۴۸

۳. تاریخ الحاق ایران: ۲۳/۳/۱۹۷۶

۴. تاریخ الحاق ایران: ۳/۱/۱۹۷۶

۵. عدم‌الحاق ایران تاکنون